

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۰۵ نومبر ۲۰۱۶

"محور آسیا"ی واشنگتن: شکست افتضاح آمیز آشکار می شود



جیمز پتراس

مقدمه:

در سال ۲۰۱۲، رئیس جمهور اوباما، وزیر امور خارجه هیلری کلینتن و وزیر دفاع اشتون کارتر در تلاش برای سلطه جهانی خود فصل جدیدی را به راه انداختند: تنظیم مجدد تغییر اولویت های سیاسی را از خاورمیانه به آسیا طرح نمودند.

طرح ملقب به "محور آسیا"، پیشنهاد می کرد که امریکا می تواند منابع اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک خود را به سوی تقویت موقعیت غالب خود و برای قطع نفوذ روز افزون چین در منطقه متمرکز کند.

"محور آسیا" نه تنها منابع موجود خود را از خاورمیانه تغییر نداد، بلکه به تعهدات نظامی خود در منطقه افزود، در حالی که باعث تحریک درگیری بیشتر با روسیه و چین شد.

"محور آسیا" به معنی آن بود که امریکا ائتلاف های نظامی منطقه ئی خود را جهت مقابله و محاصره روسیه و چین گسترش داده و عمیق تر می کند. هدف فلج ساختن اقتصاد و پرورش ناآرامی های اجتماعی آنها بود تا به بی ثباتی سیاسی و تغییر رژیم منجر شود.

یورش امریکا برای امپراتوری قویتر بر همکاری پروکسی ها (نیابتی ها) و متحدان خود برای دستیابی به اهداف ستراتیژیک خود متکی بود.

این به اصطلاح "محور آسیا" دو رویکرد دوجانبه، بر اساس توافق تجارت اقتصادی و توافقات قراردادهای مختلف نظامی داشت. کل ستراتیژی نظامی امریکا برای حفظ برتری جهانی به تأمین امنیت و افزایش کنترل خود بر متحدان

منطقه ئی و پروکسی های خود متکی بود. شکست رژیم اواما در حفظ کشور های دست نشاندۀ واشنگتن باعث شتاب زوال خود و پیشبرد تمرینات سیاسی بدتر گشت.

موضع گیری نظامی ستراتیژیک

بدون شک، هر تصمیم نظامی و اقدامی که دولت اواما در رابطه با منطقه آسیا و پاسیفیک گرفت تنها یک هدف داشت – تضعیف توانائی دفاعی چین، تضعیف اقتصاد و مجبور ساختن بیجینگ به تسلیم شدن در برابر سلطه واشنگتن. واشنگتن برای رسیدن به برتری نظامی، یک سیستم راکتی پیشرفته در ورپای جنوبی نصب کرد، ناوگان هوایی و بحری خود را افزایش داد و فعالیت های تحریک آمیز خود را در امتداد خط ساحلی و مسیرهای تجارت بحری حیاتی چین گسترش داد. واشنگتن آغاز به عملیات گسترش پایگاه های نظامی در استرالیا، جاپان و فلیپین کرد. این توضیح می دهد که چرا واشنگتن به رژیم دست نشاندۀ خود در مانیل تحت رئیس جمهور سابق "نونوی" آکینو، جونیور، فشار وارد کرد، تا اختلاف ارضی خود را با چین بر سر جزایر اسپارتنلی به دادگاه نسبتاً مبهم در هالند ببرد. حکم اروپا، بدون تعجب به نفع مانیل بود، که به امریکا برای تجاوز طراحی شده خود علیه چین در بحیره جنوبی چین یک پوشش "قانونی" ارائه می داد. جزایر اسپارتنلی و پاراسل عمدتاً جزایر مرجانی خشک و کم عمق هستند که در شلوغ ترین مسیرهای حمل و نقل تجارت بحری جهان واقع شده اند، و این موقعیت چین (هر دو بیجینگ و تایپه) را در امتناع از به رسمیت شناختن رأی "دادگاه داوری ویژه" توضیح می دهد.

مداخله اقتصادی ستراتیژیک: مشارکت ترانس پاسیفیک (ت پ پ)

امریکا نویسنده و مروج مشارکت ترانس پاسیفیک (ت پ پ) بود، یک توافق تجاری و سرمایه گذاری که ۱۲ کشور پاسیفیک را پوشش می داد و طراحی شده بود تا ضامن سلطه منطقه ئی امریکا باشد، در حالی که عمداً شامل چین نمی شد. مشارکت ترانس پاسیفیک می خواست محور تلاش های امریکا جهت ترویج سود برای شرکت های چند-ملیتی خارج از کشور امریکا با تضعیف قوانین برای تولید کنندگان داخلی، قوانین کار برای کارگران و مقررات زیست محیطی برای مصرف کنندگان باشد. در نتیجه مقررات داخلی منفور خود، که کارگران و مصرف کنندگان امریکا را بیگانه کرد، رأی دهندگان هر دو نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری را مجبور به عقب نشینی حمایت خود از ت پ پ کرد – چیزی که یک نویسنده بد برای تایم مالی آن را به عنوان "خطر دمکراسی مردمی" محکوم کرد. معماران امپراتوری واشنگتن، ت پ پ را به عنوان ابزاری برای دیکته و اجرای "فرمانروائی" خود بر سیستم تجاری آسیا و پاسیفیک اسیر در نظر گرفته بودند. از منظر کسب و کار بزرگ امریکا، ت پ پ ابزار منتخب برای حفظ سلطه در آسیای بدون چین بود.

پایان "قرن آسیائی" واشنگتن

امریکا برای بیش از هفتاد سال بر آسیا تسلط داشته است، با دو جنگ بزرگ در کوریا و هندوچین و با میلیون ها نفر تلفات، و چندین مداخله ضد شورش در اندونزیا، تایلند، مالزی، فلیپین، تیمور، میانمار، پاکستان و افغانستان قاره را ویران و غارت کرده است. هدف ستراتیژیک امریکا گسترش قدرت سیاسی و نظامی خود، بهره برداری های اقتصادی و منابع و محاصره چین و کوریای شمالی بوده است. تحت رژیم اواما – کلینتن – کری، ساختار امپریالیستی در آسیا از هم گسیخته شده است.

مشارکت ترانس پاسیفیک ضد چین واشنگتن در حال سقوط است و با مشارکت اقتصادی جامع منطقه ئی چین (رسی ی پ) جایگزین شده است، که بیش از پنجاه عضو در سراسر جهان دارد، از جمله ده کشور از اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه ان)، به اضافه استرالیا، هند، کوریای جنوبی و زلاند نو. البته، چین بودجه اغلب شراکت را تأمین می کند و تعجیبی ندارد که از واشنگتن برای پیوستن دعوت نشده است...

در نتیجه شرایط بسیار مطلوب در مشارکت جامع اقتصادی منطقه ئی چین، هر متحد فعلی و سابق و مستعمره امریکا، تغییر تجارت بیعت به چین را امضاء کرده و به طور مؤثر پیکربندی قدرت را تغییر داده است. در حال حاضر کامبوج، لائوس، تایلند و اندونزیا افزایش روابط اقتصادی را با چین رسمیت داده اند. شکست مشارکت ترانس پاسیفیک، به تغییر جهت به سوی پیمان تجاری جدید چین (مشارکت اقتصادی جامع منطقه ئی چین (رسی ی پ) شتاب داده است. امریکا مانده است که به "چهار وفادار" خود تکیه کند، جاپان ایستا، استرالیا، کوریای جنوبی و مستعمره سابق فقیر خود، فیلیپین، تا با تقویت تلاش خود چین را از نظر نظامی محاصره کند.

خطرات "دمکراسی مردمی": محور چین رئیس جمهور دوتیرته و پایان سلطه امریکا در جنوب شرقی آسیا

برای بیش از یک قرن (از زمان حمله به فیلیپین در سال ۱۸۹۶)، به ویژه از زمان پایان جنگ جهانی دوم، وقتی که امریکا مدعی برتری خود در آسیا شد، واشنگتن از مجمع الجزایر فیلیپین به عنوان یک سکوی پرش برای کنترل جنوب شرقی آسیا استفاده کرده است. کنترل فیلیپین برای امپریالیسم امریکا واجب است: برتری ستراتیژیک واشنگتن بستگی دارد به دسترسی امریکا به بحر، هوا، ارتباطات و پایگاه های زمینی و عملیات واقع در فیلیپین و طبقه حاکم سازش کار فیلیپین.

محور ستراتیژی امریکا، تجمع عظیم تأسیسات نظامی امریکا در فیلیپین، برای محاصره و سفت کردن کنترل مسیرهای بحری چین به و از اقتصاد جهانی است.

خود مدل "محور آسیا"ی امریکا شامل قرار دادن پنج پایگاه نظامی هدایت شده برای تسلط بر بحیرا جنوبی چین است. پنتاگون دسترسی خود به چهار پایگاه هوایی و یک پایگاه زمینی را از طریق "افزایش توافق همکاری دفاعی" امضاء شده توسط آکینو رئیس جمهور فیلیپین در سال ۲۰۱۴ گسترش داد، اما توسط دادگاه های فیلیپین آن را تا اپریل ۲۰۱۴ نگه داشته بود. این ها شامل:

(۱) - پایگاه هوایی آنتونیو باتیستا، در جزیره پالاوان، واقع شده نزدیک جزایر مورد مناقشه اسپارتنلی در بحیره جنوبی چین است.

(۲) - پایگاه هوایی باسا، در ۴۰ مایلی شمال غربی منیل پایتخت فیلیپین، که مشرف بر بحیره جنوبی چین است.

(۳) - پایگاه هوایی لامبیا، واقع شده در بندر کاگیان دیرو، میندانائو، تأسیسات عظیم امریکائی تحت ساخت.

(۴) - پایگاه مکتان - بنیتو ایبیون، واقع شده در جزیره مکتان، خارج از سواحل سببو در فیلیپین مرکزی.

(۵) - قلعه مگسایسای واقع شده در نیوا اکیحا، در لوزون، مرکز فرماندهی و آموزش مرکزی ارتش فیلیپین، بزرگ ترین تأسیسات نظامی که به عنوان پایگاه آموزشی و آموزش های عقیدتی ارتش فیلیپین به امریکا خدمت می کند.

طراحان پنتاگون از سواحل غربی فیلیپین در بحیره جنوبی چین، پایگاه های هوایی و حمل و نقل بحری چین را زیر هدف قرار داده اند. این اساساً ثبات کل منطقه، به ویژه مسیرهای حیاتی تجاری چین به اقتصاد جهانی را تهدید می کند.

واشنگتن مداخلات خود را در بحیره جنوبی چین با تکیه بر احکام صادره توسط رئیس جمهور پروکسی قبلی خود، بنیگنو (نونوی) آکینو سوم (۲۰۱۰-۲۰۱۶) تشدید کرده است. ولی، با این حال، احکام صادره توسط کنگره تصویب نشد و به وسیله دیوان عالی فلپین به نبرد فراخوانده شد.

کل "محور آسیا"ی واشنگتن، دسترسی به توان گسترده قدرت نظامی خود را در فلپین جمع کرده است. این دسترسی اکنون در خطر است. رئیس جمهور تازه منتخب رودریگو دویترته، که در جون ۲۰۱۶، جانشین آکینو شد، به دنبال یک سیاست خارجی مستقل، با هدف تبدیل فلپین فقیر از یک مستعمره نظامی امریکائی چاپلوس، در مقیاس بزرگ، در آغاز روابط بلند مدت تجاری اقتصادی و توسعه با چین و دیگر قدرت های اقتصادی منطقه ئی است. دویترته آشکارا سیاست امریکا را در استفاده از فلپین جهت محاصره و تحریک چین زیر سؤال برده است.

"محور چین" فلپین با شتاب از شعارهای رنگارنگ به تجارت بزرگ و اجلاس سرمایه گذاری رئیس جمهور دویترته و یک هیأت بزرگ از رهبران کسب و کار فلپین با همتایان چینی خود در بیجینگ در اواخر اکتوبر ۲۰۱۶ پیشرفت کرد. در طول ۳ ماه ریاست، دویترته واشنگتن را برای مداخله در کمپین جاری خود علیه مافیای مواد مخدر به باد انتقاد گرفت. به اصطلاح "نگرانی" او با ما برای حقوق بشر در مبارزه علیه مواد مخدر با ضد اتهاماتی پاسخ داده شد که امریکا الیگارش های سیاسی مواد مخدر بدنام را برای برنامه گسترش بیشتر پایگاه نظامی خود جایگزین کرده است. جنگ رئیس جمهور دویترته علیه مواد مخدر بسیار فراتر از ادعای انتلاف نخبگان مواد مخدر گسترش یافت وقتی که او دو تغییر ستراتیژیک پیشنهاد کرد:

(۱) - او قول داد که به گشت های آبی مشترک امریکا و فلپین در آب های مورد مناقشه که برای تحریک بیجینگ در جنوب بحیره چین طراحی شده است پایان دهد؛ و

(۲) - رئیس جمهور دویترته اعلام کرد که او به مانور های نظامی با واشنگتن پایان می دهد، به ویژه در میندانائو، به این دلیل که آن ها چین را تهدید کرده و حاکمیت مستقل فلپین را تضعیف می کند.

رئیس جمهور دویترته، در تعقیب دستور کار مستقل ملی خود، با شتاب و قاطعانه برای تقویت "محور" فلپین به سوی چین حرکت کرد، که در مفاد جنوب شرقی آسیا واقعاً روابط تجارت و سرمایه گذاری با همسایه بزرگ خود را "عادی" می کند. در طول سومین هفته ماه اکتوبر (۲۰۱۶)، رئیس جمهور دویترته، تیم سیاسی او و ۲۵۰ نفر از رهبران کسب و کار با رهبران چین ملاقات کردند تا درباره پروژه های سرمایه گذاری چند میلیارد دلاری و توافقات تجاری، همچنین روابط دیپلماتیک صحبت کنند. نتایج اولیه، که قول می دهد حتی بیشتر گسترش یابد، بیش از ۱۳ میلیارد دلار در تجارت و پروژه های زیرساخت حیاتی هستند. در حالی که محور فلپین به چین پیشرفت می کند، در عوض منجر به تغییرات عمیق در سیاست ها و نظامی کردن جنوب شرقی آسیا خواهد شد. بدون کنترل کامل امریکا بر فلپین، هلال ستراتیژیک واشنگتن در محاصره علیه چین شکسته شده است.

با توجه به حکم اخیر دیوان عالی فلپین، توافق بحث انگیز پایگاه نظامی امریکا(توافق بالا بردن همکاری دفاعی) تحمیل شده توسط حکم آکینو رئیس جمهور سابق، بدون تصویب کنگره می تواند توسط دستور هیأت رئیسه رئیس جمهور جدید خاتمه یابد. این حکم به چیزی که پنتاگون خفه گاه "سخت" خود بر پایگاه های فلپین می پنداشت، چند سوراخ بزرگ وارد می کند.

دولت دویترته بارها تعهد دولت خود برنامه سازی اقتصادی و بازسازی اجتماعی را برای جامعه فلپین اعلام کرده است. آن دستور کار تنها می تواند از طریق تغییراتی پیشرفت کند که شامل سرمایه گذاری زیرساختی چند میلیارد دلاری، وام ها و همکاری فنی از چین باشد. در حالی که باقی ماندن به عنوان یک مستعمره نظامی امریکائی عقب

افتاده نه تنها شرکای اقتصادی آسیائی آنها را تهدید می کند، بلکه فلیپین را به نسل دیگری از رکود و فساد محکوم می کند. فلیپین در جنوب شرقی آسیا منحصر به فرد است و به مدت طولانی در منجلاب توسعه نیافتگی، مجبور است که نیمی از نیروی کار و اجد شریط خود را به دنبال قراردادهای بردگی به خارج بفرستد، در حالی که در اجتماع داخل کشور به قربانی مواد مخدر و باندهای قاچاق انسان در ارتباط با الیگارش ها تبدیل شده است.

نتیجه گیری

"محور آسیا"ی واشنگتن، در تلاش مقدس خود برای محاصره کشورهای آسیا در جنگ صلیبی ضد چینی خود آن سبکی پیش نرفت که تیم اوپاما- کلینتن - کری پیشبینی کرده بودند. ثابت شده است که این یک شکست سیاست خارجی برای دولت های در حال خروج و (احتمالاً) دولت رئیس جمهور آینده است. نامزد حزب دمکرات هیلری کلینتن مجبور شده است تا مشارکت ترانس پاسفیک، یکی از پروژه های دستی خود، زمانی که وزیر امور خارجه بود را محکوم کند. ستراتیژی پایگاه نظامی پنتاگون چسبیده به سال های ۱۹۸۰ جنوب شرقی آسیا در آستانه انفجار از درون است. فلیپین، مستعمره سابق و کشور دست نشانده، در نهایت از تملق کامل خود به دیکته های نظامی امریکا دور می شود و به سوی روابط استقلال بیشتر و منطقه ئی قوی تر با چین و بقیه آسیا می رود. جنوب شرقی آسیا و بحیره جنوبی چین، دیگر بخشی از صفحه شطرنج بزرگ مطیع برای برتری حرکات پنتاگون نیستند. واشنگتن ممکن است در اوج ناامیدی تصمیم بگیرد که برای قبضه قدرت در فلیپین متوسل به یک کودتای نظامی شود، که توسط ائتلاف الیگارش های ساکن مانیل، اربابان مواد مخدر و جنرال ها حمایت شود. مشکل یک حرکت بسیار عجولانه برای "تغییر رژیم" آن ست که رودریگو دویترته فوق العاده محبوب رأی دهندگان فلیپینی است - دقیقاً به این دلیل ها ست که نخبگان واشنگتن و الیگارش های مانیل از او منتفراند و او را تحقیر می کنند. شهردار مانیل، جوزف استرادا، که خودش یک قربانی تغییر رژیم بود که توسط واشنگتن تحریک شده بود، اعلام کرده است که هر کودتای مورد حمایت امریکا با مخالفت توده ئی میلیون ها عضو و بخش عمده ای از طبقه متوسط ملی و کسب و کار و قدرتمند چینی الاصل مواجه خواهد شد. یک کودتای شکست خورده، مانند کودتای مصیبت بار ونزوئلا در سال ۲۰۰۲ علیه هوگو چاوز می تواند سیاست دویترته را بسیار فراتر از دستور کار قاطعانه ملی او رادیکال کند و امریکا را بیشتر منزوی نماید.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه شناسی دانشگاه بینگهامتون، در نیویورک است. آخرین کتاب او "پایان جمهوری و توهم امپراتوری" نام دارد، که می توانید از آدرس زیر تهیه نمایید.

THE END OF THE REPUBLIC AND THE DELUSION OF EMPIRE

<http://www.claritypress.com/PetrasVIII.html>

برگرداننده شده از:

Washington's 'Pivot to Asia': A Debacle Unfolding